

بررسی تطبیقی مؤلفه‌ها و جلوه‌هایی از بیم و امید اگزستانسیالیستی در آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی

محمود فیروزی مقدم¹، مهیار علوی مقدم*²، مریم جلالی³، حسن دلبری⁴

دریافت: 3397/3/30 پذیرش: 3397/12/18

- 1- عضو هیات علمی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه
- 2- دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری
- 3- استادیار زبان و ادبیات فارسی استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی
- 4- استادیار زبان و ادبیات فارسی استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

در این پژوهش با هدف درک معنا و تحلیل متن ادبی، تلاش می‌شود با تکیه بر نظریات اگزستانسیالیستی، جلوه‌های بیم و امید و برخی مؤلفه‌های مرتبط با آن در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین - دو نویسنده مطرح ادبیات کودکان - بررسی و به این پرسش‌های اساسی پاسخ داده شود: عمل‌گرایی شخصیت‌های داستانی در آثار این دو نویسنده، از منظر ادبیات تطبیقی، چه جلوه‌هایی از بیم و امید را نشان می‌دهد و چگونه می‌توان آن‌ها را با نظریه‌های اگزستانسیالیستی تحلیل و تبیین کرد؟ اگزستانسیالیسم اندیشه‌ای فلسفی است که بر نقد ادبی تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز ظهور نظریه‌های متعددی شده است. ژان پل سارتر با نگارش کتاب *ادبیات چیست؟* منشوری برای ادبیات متعهد می‌نویسد و هایدگر هرمنوتیک فلسفی مدرن را بنیان می‌گذارد و نگاه سستی را در آن بی‌فروغ می‌نماید؛ به این ترتیب براساس اندیشه دکارتی سارتر و ضددکارتی هایدگر، دو نوع اگزستانسیالیسم ادبی هایدگری و سارتری شکل می‌گیرد. این تحقیق با رویکردی تطبیقی، درون‌مایه‌های بیم و امید اگزستانسیالیستی را واکاوی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه محققان آثار هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین را بیشتر از منظر مکتب رئالیسم بررسی کرده‌اند، می‌توان بیم و امید مبتنی بر عمل‌گرایی و نگرش اگزستانسیالیستی را نیز در این آثار یافت.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی کودکان، مرادی کرمانی، تواین، بیم و امید، اگزستانسیالیسم.

1. مقدمه

ادبیات تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ از سوی دیگر ادبیات و فلسفه، به‌عنوان موضوعی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای، نیز گاه چنان درهم تنیده‌اند که تفکیک آن‌ها به‌آسانی ممکن نیست. برخی از آثار ادبی، آگاهانه یا ناآگاهانه، برپایه تفکرانی فلسفی پدید آمده‌اند. گاه آثاری از دو زبان و فرهنگ مختلف و در دو زمان متفاوت شکل گرفته‌اند که دراصل شالوده فکری و فلسفی مشترک، آن‌ها را در یک ردیف قرار می‌دهد و این امکان را فراهم می‌کند که بتوانیم برپایه اصولی مشترک، آن‌ها را تحلیل و بررسی کنیم. این تحقیق برپایه نقد تطبیقی و رویکرد فلسفی، به بررسی آثار دو نویسنده ایرانی و امریکایی می‌پردازد و با تکیه بر نظریات اگزیستانسیالیستی، قصه‌های مجید و برخی دیگر از آثار هوشنگ مرادی کرمانی¹، و ماجراهای تام سایر و هاگلبری فین نوشته مارک تواین² را نقد و تحلیل می‌کند.

1-1. پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش برپایه اصول ادبیات تطبیقی، به کشف درون‌مایه‌های مشترک اگزیستانسیالیستی در آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی می‌پردازد و با کاوش در روابط شخصیت‌های برخی آثار داستانی این دو نویسنده، تلاش می‌کند به رازهای نهفته در اندیشه آن‌ها پی ببرد و به این دو پرسش پاسخ دهد: عمل‌گرایی شخصیت‌های داستانی در آثار این دو نویسنده، از منظر ادبیات تطبیقی چه جلوه‌هایی از بیم و امید را نشان می‌دهد؟ چگونه می‌توان آن‌ها را با نظریه‌های اگزیستانسیالیستی تحلیل و تبیین کرد؟

پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که بیم و امید درون‌مایه‌ای است که در کلام، رفتار و زندگی قهرمانان قصه‌های هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین مشهود است و می‌توان با تکیه بر مطالعات بین‌رشته‌ای و ادبیات تطبیقی از نظریه‌های اگزیستانسیالیستی بهره برد و آن را به‌عنوان ویژگی مشترک در آثار این دو نویسنده بررسی کرد.

2-1. پیشینه تحقیق



درباره بیم و امید در ادبیات و فلسفه مباحثی وجود دارد که هر یک در جای خود می‌تواند نظر و دیدگاهی قابل تأمل باشد. در پژوهش حاضر، به آثاری از هر دو حوزه فلسفه و ادبیات توجه شده است؛ از جمله کتاب *اگزیتانسیالیسم و اصالت بشر* نوشته ژان پل سارتر. این کتاب چنان‌که مترجم در آغاز آن تأکید می‌کند، «کتابی است که روشن می‌سازد اگزیتانسیالیسم با کاهلی و گریز و تسلیم بر سر ستیز است و هرکس را دارای مسئولیتی بزرگ و خطیری می‌داند و کمک می‌کند تا نظریه ناامیدی سارتر را بهتر درک کنیم» (سارتر، 1191: 10). در کتاب هستی‌نیستی از همان نویسنده نیز آمده است:

پس از اثبات هستی و نیستی و رابطه‌ای که بین آنان وجود دارد، به ذکر تمام مقولات عالم هستی پرداخته و عواطف انسانی را مانند وجدان و عشق و نفرت و هوس، و سایر تضادهای درونی و تعارضات نفسانی را در جاهای مخصوص به‌طور آشکار و مستقل و محکم، شرح داده است که در فلسفه او روح کانت و هگل مشاهده می‌شود (سارتر، 3394: پ).
همچنین به کمک کتاب‌های سارتر که می‌نوشت (احمدی، 3384)، طرح نظریه هیجان (سارتر، 3377) و مکتب فلسفی اگزیتانسیالیسم (مهرین، 3343) می‌توان اگزیتانسیالیسم را بهتر شناخت و نگاه ادبیات به آن را درک کرد؛ در ضمن از مقالاتی مانند «درباره اگزیتانسیالیسم سارتر» (کوششی، 3385)، «اگزیتانسیالیسم و نقد ادبی» (حسن‌پور آلاشتی و امن‌خانی، 3366)، «بیم و امید سارتر» (مظفری‌پور، 3388)، «اگزیتانسیالیسم هدایت و بن‌بست نوستالژی در سگ ولگرد» (موسوی و همایون، 3388) و نیز نوشته‌های پراکنده چاپ‌شده در نشریه‌های گوناگون در این تحقیق بهره برده‌ایم. درباره هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین همچنین تحقیقاتی با تکیه بر رئالیستی بودن آثار این دو نویسنده وجود دارد که ضمن دارا بودن ارزش‌های علمی، به‌دلیل تمرکز این تحقیق بر ویژگی‌های اگزیتانسیالیستی از ذکر آن‌ها صرف‌نظر می‌شود. در این تحقیق، بیشتر به منابعی توجه شده است که از منظر ادبیات کودکان به نوشته‌های این دو نویسنده پرداخته‌اند. کتاب *صدای خط خوردن مشق* (سلاجقه، 3300) بیشتر به ساختار جملات و بررسی عناصر داستانی در برخی

از آثار مرادی کرمانی پرداخته است. در معدودی از پایان‌نامه‌های دانشگاهی همچون بررسی آثار هوشنگ مرادی کرمانی (توکلی، 3384) به برخی نکته‌های بلاغی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی اشاره شده است. از جهت تحلیل محتوایی نیز مقالاتی همچون «بررسی ارزش‌های اسلامی - ایرانی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» (رهجو و دیگران، 3394) نوشته شده است که نگاهی توصیفی به ارزش‌های اسلامی و ایرانی دارد و تحلیل علمی دقیقی از آثار مرادی کرمانی ارائه نمی‌کند. دربارهٔ مارک تواین نیز اثر پژوهشی ارزشمندی در زبان فارسی دیده نمی‌شود و بیشتر مطالب درحد یک معرفی روزنامه‌ای (ژورنالیستی) از او و آثارش است. کتاب‌های شما که غریبه نیستید (مرادی کرمانی، 3389) و زندگی من (تواین، 3300) که نوعی زندگی‌نامهٔ شخصی هستند، نیز مورد توجه قرار گرفته است. درنهایت در بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی که به‌طور خاص به موضوع مورد نظر این تحقیق پرداخته باشد، نیافتیم. از آنجا که گاه نظریه‌های شناخته‌شده و مطرح در دنیای فلسفه در آثار ادبی جلوه‌ای خاص می‌یابند و از دیگر سو مطالعات تطبیقی امکان بررسی برخی آثار برجستهٔ جهان از منظری نو را فراهم می‌کنند، انجام این تحقیق ضروری به‌نظر می‌رسید.

3-1. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای است؛ روش تحقیق، استدلالی از نوع روش استقرائی (از جزء به کل) و روش تحلیل داده‌ها هم کیفی است؛ به این ترتیب که داستان‌های مختلف از دو نویسندهٔ مورد مطالعه را انتخاب کردیم و به استخراج مؤلفه‌های مرتبط با نگرش اگزیستانسیالیستی در آن‌ها پرداختیم؛ سپس این مؤلفه‌ها را براساس بنیان‌های مورد نظر در این پژوهش تحلیل کردیم. رویکرد این تحقیق، تطبیقی برپایهٔ مکتب امریکایی است. مکتب امریکایی، برخلاف مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی که به سه اصل تاریخ‌گرایی فرهنگی، اختلاف زبان‌ها و تأثیر و تأثر اعتقاد دارد، بر سه اصل پیوند بین نگرش تاریخی و نقدی، توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و نقد ادبی در ادبیات تطبیقی و توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای در ادبیات تطبیقی تأکید می‌کند. برخلاف فرانسوی‌ها، امریکایی‌ها احساسات ناسیونالیستی را در مطالعات ادبی خود لحاظ نمی‌کنند و به‌طور طبیعی به ادبیات تطبیقی تمایل دارند. رویکرد



نویسندگان این سطور نیز در بررسی ادبیات تطبیقی کودکان، برپایه رویکرد مکتب امریکایی بوده است؛ این به معنای نگرش جهانی به ادبیات کودکان، فراتر از پدیده‌ای به مثابه ادبیات ملی است و به جنبه‌های میان‌رشته‌ای در حوزه ادبیات و فلسفه در این گونه ادبی توجه دارد.

2. مبانی نظری تحقیق

1-2. ادبیات تطبیقی کودکان³، پیش‌نیاز ادبیات کودکان جهان

بعد از جنگ جهانی، دوم این باور که ادبیات کودکان می‌تواند سبب ارتقای تفاهم بین‌المللی شود، به عنوان یک اصل و عقیده مطرح شد؛ به این معنا که ادبیات کودکان می‌تواند نویدبخش آرمان‌شهر «جمهوری جهانی کودکی»⁴ باشد و به سهولت از مرزها گذر کند. بنابراین پژوهش‌های ادبیات کودکان در حوزه ادبیات تطبیقی اغلب برگرفته از ایده‌های بین‌المللی در کتاب‌های کودکان است. مجموعه آثار مختص کودکان در این حوزه شامل متونی است که توسط نویسندگانی با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون نوشته شده‌اند و درعین حال بخشی از مفهوم کلی ادبیات کودکان را تشکیل می‌دهند. ادبیات تطبیقی کودکان از مباحث اساسی دانش ادبیات و علوم انسانی است که با تکیه بر مطالعات تطبیقی می‌توان ارتباط این گونه ادبیات را با علوم و هنرهای دیگر، همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، نقاشی و موسیقی - که در ادبیات کودکان جایگاهی ویژه دارند - مطالعه و بررسی کرد تا بتوان با سنجش و اندازه‌گذاری به قاعده و قانونی برای شناخت و شناساندن دقیق‌تر، علمی‌تر و صحیح‌تر ادبیات کودکان دست یافت. علاوه بر این، «بررسی دقیق و مناسب ادبیات کودکان برای بازیابی الگوهای بین‌المللی یا الگوهای ملی غالباً به کمک شیوه‌های تطبیقی امکان‌پذیر است» (Bouckaert - Ghesquiere, 1992: 93).

به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای ادبیات تطبیقی کودکان، در آن دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوت و گاه متناقضی دیده می‌شود. در این میان، سه نظریه‌پرداز بزرگ حوزه ادبیات کودکان، پیترو هانت⁵ با رویکرد علمی، محلی و ملموس بودن ادبیات کودکان، پری نودلمن⁶ با رویکرد

مخاطب‌محور در ادبیات کودکان و امر اُ سولیوان⁷ با رویکرد فرهنگی و اجتماعی، نقش مؤثری در ادبیات تطبیقی کودکان داشته‌اند. ناگفته نماند از این نظریه‌پردازان فقط امر اُ سولیوان است که کتابی با نام *ادبیات تطبیقی کودکان*⁸ نگاشته است.

انواع ادبی در ادبیات کودکان با آنچه در ادبیات بزرگسالان دیده می‌شود، تفاوت‌هایی دارد که به کمک ادبیات تطبیقی کودکان امکان بررسی آن وجود دارد. حتی می‌توانیم گونه‌های مختلف ادبیات کودکان را در مناطق مختلف جهان مورد بررسی قرار دهیم و ضمن کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و معنایی، به ویژگی‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی دست یابیم و براساس آن‌ها «ادبیات کودکان جهان» را پی‌ریزی کنیم.

2-2. اگزستانسیالیسم و نقد ادبی

درباره نقش تعلیمی و تربیتی ادبیات کودکان و اهمیت اگزستانسیالیسم در تعلیم و تربیت نیز تحقیقاتی جداگانه و مستقل صورت گرفته است. اگرچه درباره نقش تعلیمی و تربیتی ادبیات کودکان اتفاق نظر وجود دارد، لازم است از رابطه اگزستانسیالیسم و نقد ادبی آگاه باشیم تا بتوانیم کارکرد و نقش آن را در نقد ادبیات کودکان و نوجوانان به‌خوبی درک کنیم و در تحلیل و تحقیق خود از آن بهره ببریم.

در مطالعه و بررسی نقد ادبی امروز جهان نمی‌توان حضور و نقش فلسفه را انکار کرد؛ کافی است یکی از کتاب‌های نقد ادبی را ورق بزنیم تا نام‌هایی چون سارتر را به‌موازات ادبیات متعهد و هایدگر را در کنار هرمنوتیک مدرن ببینیم. تفاوت اندیشه میان هایدگر و سارتر، باینکه در یک نحله فلسفی معرفی می‌شوند، آشکار است. این اختلاف نگاه در بیان دیدگاه‌های ادبی به اوج خود می‌رسد. هایدگر با تکیه بر تفکر هستی‌شناسانه‌اش در هستی و زمان، هرمنوتیک را به مسیری تازه هدایت می‌کند و سارتر با بیان فلسفی‌اش در هستی و نیستی بنیان نظری ادبیات متعهد قرن بیستم را پی‌ریزی می‌کند. هایدگر با زندگی ساده و خلق‌وخویی روستایی که حتی در لباس پوشیدنش آشکار بود (ری، 3384: 9)، اندیشه‌ای ضددکارتی داشت که در آثار فلسفی او نیز مشهود است. در مقابل، سارتر نه تنها با سنت دکارتی غرب بیگانه نیست بلکه به آن علاقه نشان می‌دهد و فرانسوی‌ها او را هم‌ردیف ولتر و



زولا می‌داند. سیمون دوبووار در خاطراتش به این علاقه سارتر به سنت دکارتی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سارتر، استاندال را به اندازه اسپینوزا دوست داشت» (دوبووار، 1161: 432-411). درحالی که سارتر نگاهی اجتماعی دارد، هایدگر در نقطه مقابل، همچنان به جای اندیشیدن به اجتماع، پرسش همیشگی‌اش یعنی سؤال از هستی را تکرار می‌کند.

تفاوت نگاه سارتر و هایدگر - به‌عنوان دو آگزیستانسیالیست - در آثار ادبی نیز نمود یافته است؛ به‌طوری که اندیشه هایدگر موجب دگرگونی در هرمنوتیک شد و به‌جای اینکه تنها بر معنای متن متمرکز شود، آن را غالباً در ارتباط با هستی به‌کار می‌برد. از این رو برای درک معنای هرمنوتیک در اندیشه هایدگر ابتدا باید پیوند آن را با هستی دریافت. هرمنوتیک در نظر هایدگر «آن دانایی کلی است که به ما امکان می‌دهد هستی چیزی را دریابیم و موقعیت ویژه آن را بشناسیم» (احمدی، 3382: 427). سارتر نیز در ارتباط با ادبیات متعهد قدم‌های مهمی برداشته است؛ اما اهمیت کار او در این است که آن را برپایه فلسفه بنا کرد. حوزه نقد ادبی ایران اگرچه تا سال‌های 3357 تا حدود زیادی از مباحث مطرح‌شده توسط فلاسفه وجودی بهره‌مند بوده است و بسیاری از چهره‌های ادبی و گاه اجتماعی کشور این مباحث را پذیرفته و در وارد کردن آن به فضای نقد ادبی کشورمان کوشیده‌اند، اشاره به این نکته ضروری است که در این توجه، سهم سارتر به‌مراتب بیشتر از هایدگر بوده است (حسن پورآلاشتی و امن‌خانی، 3366: 10).

نظریات ادبی ژان پل سارتر در نقد و نظریه‌پردازی ادبی در ایران، در دو اثر بازتاب یافته است: *رمان تهوع و کتاب ادبیات چیست؟*. او در *رمان تهوع*، ادبیات و هر نوع آفرینش هنری را رهایی‌بخش انسان از پوچی می‌داند و با تکیه بر فلسفه هستی و نیستی، تحت تأثیر گرایش مارکسیستی، مانیفست (بیانیه) ادبیات متعهد را می‌نویسد (همان، 25). سارتر براساس اندیشه‌های آگزیستانسیالیستی، نویسنده را مسئول می‌داند و از او می‌خواهد با نوشتن، جهان پیرامون خود را تغییر دهد (همان، 11).

3. بحث و بررسی

3-1. بیم و امید اگزیستانسیالیستی در آثار مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی

با شکل‌گیری مکتب اگزیستانسیالیسم در قرن نوزدهم به‌ویژه با مصنفات سورن کرکگارد، توجه به فرد انسانی و وضع انضمامی او در مواجهه با جهان پیرامون در مرکز توجه فلاسفه قرار گرفت. در دوران جدید، چرخشی در نگاه متفکران ایجاد شد و نگاه و منظری که سوژه انسانی به جهان دارد، بسیار اهمیت یافت (کرکگارد، 3300). هرچند پیش از آن عطف توجه به سوژه توسط دکارت آغاز شده و تمام حیطه‌ها را درنور دیده بود، این بار فرد انسانی به‌طور خاص و نه به‌عنوان سوژه مورد توجه فیلسوفان اگزیستانسیالیست قرار گرفت و هریک از حالات و انگیزه‌های رفتار انسانی مورد بررسی واقع شد و از این طریق بر مفاهیمی همچون آزادی و انتخاب، اضطراب و اصالت فرد انسانی تأکید شد. فلسفه اگزیستانسیالیسم ممکن است برای کسی که زندگی موفقیت‌آمیزی ندارد، ناخوشایند باشد؛ اما از طرفی مردمان را آماده درک این معنا می‌کند که فقط واقعیت است که به حساب می‌آید؛ رؤیاهای، انتظارات و امیدها تنها از این منظر مورد توجه قرار می‌گیرند که ممکن است آدمی را به‌عنوان رؤیای ناکام، انتظار بیپوده و امید ناموفق تعریف کنند. به عبارت دیگر، رؤیا و انتظار و امید، معرفی‌کننده آدمی از منظری منفی است نه مثبت (سارتر، 3391: 52).

اگزیستانسیالیسم، در معنای هستی‌گرایی، اصطلاحی است برای طبقه‌بندی آثار فیلسوفان اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم که باوجود تفاوت‌های مکتبی و فکری عمیق، در این باور که اندیشیدن فلسفی با موضوع انسان آغاز می‌شود، با یکدیگر مشترک‌اند. در هستی‌گرایی، نقطه آغاز فرد به‌وسیله آنچه نگرش به هستی یا احساس عدم تعلق و گم‌گشتگی - در مواجهه با دنیای به‌ظاهر بی‌معنا و پوچ - خوانده شده است، مشخص می‌شود. طبق باور اگزیستانسیالیست‌ها، زندگی بی‌معناست، مگر اینکه خود شخص به آن معنا دهد؛ همان‌طور که سارتر گفت، ما محکومیم به آزادی (سارتر، 1191: 40)؛ یعنی انتخابی نداریم جز اینکه انتخاب کنیم و بار مسئولیت انتخابمان را به‌دوش بکشیم. «اگزیستانسیالیسم نوعی فلسفه است که به‌طور طبیعی در شکل ادبی بیان می‌شود؛ زیرا به امر انضمامی و خاص، معنایی فلسفی می‌دهد» (ماتیوز، 3388: 85).



داستان‌های مارک تواین و هوشنگ مرادی کرمانی باینکه از نوع رئالیسم اجتماعی خوانده می‌شوند، نشانه‌های دیگر مکتب‌های فلسفی و ادبی در آن‌ها قابل بررسی است. به نظر نویسندگان این مقاله، *ماجرای تام سایر* و *هاکلبری فین* اثر مارک تواین و قصه‌های مرادی کرمانی درون‌مایه‌های اگزستانسیالیستی دارند. دو نویسنده مورد مطالعه، دیدگاه‌های خود را در مورد و نهادگی، بی‌هدفی، پوچی و بیچارگی انسان در دنیا، در قالب نوجوانانی که تنها شده‌اند و باید در دنیایی سرشار از ناامیدی تعیین هدف کنند و به زندگی خود معنا دهند، به نمایش می‌گذارند. مارک تواین با الگوهای به نام تام سایر و هاکلبری فین و هوشنگ مرادی کرمانی با الگوهای چون مجید، نمکو و اسماعیل، دغدغه وجودی نوع انسان مسئله‌مند دوره معاصر را که پس از تجربه دردناک مدرنیته در باتلاق بحران‌های خودساخته فرورفته و در پی احیای حیثیت و موجودیت ازدست‌رفته خود است، بیان می‌کنند. در *قصه‌های مجید*، مجید کودکی یتیم است که پدر و مادرش را ازدست داده و بی‌بی، مادر بزرگ او، تمام هدفش این است که رؤیاهای مجید را به واقعیت تبدیل کند و نگذارد امیدهای نواش به یأس بدل شود؛ می‌خواهد او را یک آدم حسابی بار بیاورد.

در داستان *ماجرای تام سایر* هم، تام کودک یتیمی است که با خاله غرغروی خود، خاله پولی، زندگی می‌کند و بحران نداشتن پدر و مادر او را گرفتار دلهره کرده و امید به تجربه‌های تازه در زندگی را در او تقویت کرده است؛ به طوری که برای رسیدن به آن باید دست به انتخاب‌های درستی بزند. هاکلبری فین هم با داشتن پدری شرابخوار و عاطل و باطل و نداشتن مادر، ناامیدی و بحرانی سخت را تجربه می‌کند و در کنار بیوه داگلاس که سرپرستی او را برعهده دارد، امیدهایش را پی می‌گیرد.

شناخت واقعیت اجتماعی بنابه تعریف، نمی‌تواند حامل امید باشد. واقعیت اغلب ناامیدکننده است یا دست‌کم با امید و آرزوهای ما فاصله دارد. زمانی که احساس کنیم نمی‌توانیم این واقعیت را تغییر دهیم، زمانی که تسلیم جبر واقعیت می‌شویم، زمانی که واقعیت را می‌پذیریم و احساس می‌کنیم جز سازش با آن کار دیگری از ما ساخته نیست، ناامید می‌شویم.

واقعیت از این رو که اجتناب‌ناپذیر و لایتغیر می‌نماید و احساس ناتوانی در تغییر را در ما ایجاد می‌کند، همواره حامل یأس است. اگزیستانسیالیسم نگاهی خاص به زندگی بشر و انتخاب‌های آدمی دارد. همچنین شامل مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی است که برخی از آن‌ها را می‌توان در آثار مرادی کرمانی و مارک تواین دید.

3-2. بحران ذوب شدن در کلیت‌ها

یکی از مؤلفه‌های اگزیستانسیالیسم بحران ذوب شدن در کلیت‌هاست. اگزیستانسیالیسم یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های انسان دوره معاصر را ذوب شدن در مفاهیم و قالب‌های کلی و قرار گرفتن در میان «توده‌ها» می‌داند. این فلسفه برخلاف فلسفه‌های رایج دوره‌های کلاسیک که به مفاهیم و احکام کلی می‌پرداختند، به مسائل شخصی توجه دارد. در فلسفه اگزیستانسیالیسم، انسان از قرار گرفتن در میان رمه‌ها و توده‌های انسانی که فردیت او را در جمع مستهلک می‌کنند، گریزان است و خویش را موجودی متمایز از سایر موجودات می‌داند. در واقع تمام تأکید این فلسفه بر فردیت انسان است؛ به همین اعتبار نظام‌های اخلاقی و ارزشی و قوانین عمومی، همه از این نظرگاه فاقد ارزش و اعتبارند.

فلسفه اگزیستانسیالیسم نظام‌های حقوقی و سیاسی توتالیترا را که با جاری کردن احکام کلی خود در میان رمه‌های انسانی فردیت انسان را در نظر نمی‌گیرند، به باد انتقاد می‌گیرد و انسان معاصر را مقهور چنبره این نظام‌ها می‌داند؛ به همین اعتبار، احساس تنهایی و بی‌پناهی انسان معاصر را امری طبیعی تلقی می‌کند. در آثار ادبی اگزیستانسیالیست‌ها، این نکته برجسته شده است و قهرمان داستان معمولاً شخصی تنها، منزوی و بی‌پناه است. نگاهی به شخصیت‌های داستان‌هایی چون *بیگانه*، *تهوع*، *مسخ*، *جنایت و مکافات*، *سگ ولگرد*، *شاهزاده و گدا* و داستان‌های مورد مطالعه ما، تأییدی بر این امر است. در داستان *هاکلبری فین*، با شخصیت *هاک فین* روبه‌رو می‌شویم که می‌توان او را گرفتار نوعی رنج تنهایی، *دلهره* و *وانهادگی* دانست. در واقع *هاک* از تمام توانایی‌های لازم برای خوشبختی ساده - که خود ادعا می‌کند دارد - برخوردار است؛ اما شرایط و طبیعت اخلاقی‌اش او را به بی‌خیال‌ترین پسر آن حوالی تبدیل می‌کند. او همیشه از وضعیت ناگوار دیگران سخت در رنج



است. از قول هاک می‌خوانیم: «کنار پنجره می‌نشستم و به فکر فرومی‌رفتم ولی آن‌قدر دل‌تنگ و مأیوس بودم که آرزو می‌کردم ای کاش می‌مردم» (تواین، 1300: 9). این نمونه‌ای از ذوب شدن در کلیت‌هاست. جامعه و مردم اطراف هاک باعث می‌شوند که او خود را گم کند و در درد و رنج‌های جامعه‌اش ذوب شود.

شاید در داوری نخستین این‌گونه حکم شود که فلسفه‌اگزیستانسیالیسم، مکتبی فاقد هرگونه چشم‌انداز روشن و خالی از هر روزنه امید است؛ اما فیلسوفان وجودی این گزاره را به شدت رد می‌کنند. سارتر اگزیستانسیالیسم را به هیچ وجه مکتب انزوا و ناامیدی نمی‌داند و می‌گوید: «این فلسفه را نمی‌توان فلسفه‌ای مبنی بر انزواطلبی و گوشه‌گیری دانست؛ زیرا آدمی را با مقیاس عمل می‌سنجد و تعریف می‌کند» (سارتر، 1991: 55). در آغاز قصه‌هاکلبری فین از زبان هاک می‌خوانیم:

وقتی من و تام به بالای تپه رسیدیم، قادر بودیم از بالا دهکده را تماشا کنیم که چند چراغ در آن روشن بود. شاید افراد بیماری در آن خانه‌ها بودند. ستاره‌های آسمان با زیبایی بیش از پیش نورافشانی می‌کردند. پایین دهکده رودخانه قرار داشت که یک کیلومتر پهنا داشت و عظیم و ترسناک بود. ستاره‌ها می‌درخشیدند و برگ‌های درختان جنگل نغمه‌اندوهباری ساز می‌کردند و صدای هوهوی جغدی خبر از مردن انسانی می‌داد و هدهد و سگی برای شخصی رو به موت می‌گریستند [...] سپس شب‌ها به شیون و زاری به‌پا می‌خیزند. بسیار افسرده بودم، اندکی بعد عنکبوتی روی شانه‌ام به‌راه افتاد. با دست پرتابش کردم. بر روی آتش شمع افتاد و بلافاصله سوخت (تواین، 1300: 10).

این همان چیزی است که می‌توانیم بیم و امید بنامیم؛ بیمی برخاسته از اضطراب و دلهره و وانهادگی، و امیدی که از پی آن می‌آید. رودخانه ترسناک جلوه می‌کند و باینکه ستاره‌ها می‌درخشند، نغمه‌اندوه‌بار برگ‌های درختان جنگل شنیده می‌شود. صدای جغد خبر مرگ می‌دهد. گریه‌سگ و هدهد برای شخص روبه‌موت، نوای ارواح ناتوان از انتقال مقصود خویش و ناتوانی‌شان در قبرها، شیون شبانه و تأکید بر افسردگی هاک، همه نشان از ذوب شدن در کلیت‌ها دارد و می‌تواند با تفکر اگزیستانسیالیستی همسو باشد. چه بسا گشتن عنکبوت و

جست‌وجوی چاره کار و تلاش برای رهایی از طلسم، نوعی کنش فعالانه، تفکر، تصمیم، انتخاب و عمل برای غلبه بر ترس و ناامیدی و اضطراب‌های درونی باشد. به این تعبیر «اگزیتانسیالیسم توصیفی بدبینانه از بشر به دست نمی‌دهد. بدین سان، فلسفه‌ای خوش‌بین‌تر از آن نمی‌توان یافت» (سارتر، 1991: 55).

در قصه بچه‌های قالبیافته نوشته هوشنگ مرادی کرمانی نیز می‌توان شخصیت‌هایی مضطرب، تنها، بی‌پناه و ناامید را یافت که این از منظر اگزیتانسیالیسم قابل بررسی است. در قسمتی از این داستان می‌خوانیم: «نمکو گفت: من نمی‌خوام برم. من از این ماش شیطون می‌ترسم» (مرادی کرمانی، 1969: 36). در این داستان نمکو به واسطه فقر و ناداری، دنیایی پر از ترس را تجربه می‌کند. مرادی کرمانی در این داستان دقیقاً همسو با تفکر اگزیتانسیالیستی، بی‌توجهی به حقوق فردی و انسانی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. اگزیتانسیالیست‌ها معتقدند نویسنده «باید زشتی‌ها و بدی‌ها را نشان دهد» (سارتر، 1969: 16) تا بدانیم این بدی‌ها و پلیدی‌ها حاصل کجروی‌ها و انتخاب‌های نادرست بشر است.

3-3. آزادی فردی و حق انتخاب، عامل دلهره و اضطراب

آزادی فردی و انتخاب از دیگر مؤلفه‌های اگزیتانسیالیسم است. یکی از مهم‌ترین محرک‌های بشر برای زندگی در دنیای پرهیاهوی امروزی، آزادی و حق انتخاب است. بشر نمی‌تواند انتخاب کردن را نادیده بگیرد؛ حتی وقتی انتخاب نمی‌کند، بازهم انتخاب کرده است که انتخابی نداشته باشد و همین می‌تواند توجیهی برای آزادی انسان باشد. «بزرگ‌ترین ارزش علمی و انسانی اگزیتانسیالیسم این است که انسان را آزاد اعلام می‌کند و فراتر از هر مکتبی به نیاز انسان بیچاره امروز پاسخ می‌گوید» (شریعتی، 1977: 26). در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین، قهرمانان و شخصیت‌ها هرکدام راهی را انتخاب می‌کنند؛ مهم‌ترین نکته مورد توجه و وجه اشتراک این شخصیت‌های داستانی، همین آزادی انتخاب است. وقتی هاک فین و تام صحنه قتل دکتر جوان را در قبرستان می‌بینند، با یکدیگر پیمان می‌بندند که آن را همچون رازی پنهان نگه دارند. در قصه می‌خوانیم:



بچه‌ها همین‌طور یکریز رو به ده می‌دویدند. از ترس زبانشان بند آمده بود. گاه‌به‌گاه از بالای شانه با وحشت رو به عقب نگاه می‌کردند، مبادا کسی دنبالشان کرده باشد. هر تنه درختی که سر راهشان سبز می‌شد خیال می‌کردند آدم است و حتماً دشمنشان است. از ترس نفسشان را حبس می‌کردن (تواین، 1382: 90).

این انتخاب اگرچه توأم با تفکر است، دلهره و ترس می‌آفریند؛ به‌خصوص آن‌گاه که شاهد محاکمه و زندانی شدن فردی بی‌گناه قرار می‌گیرند، مسئولیت انتخابی را که داشته‌اند، نمی‌توانند نادیده بگیرند. ترس در همه وجود آن‌ها رخنه می‌کند. این همان بیمی است که در نگرش اگزیستانسیالیستی به‌واسطه انتخاب به‌وجود آمده است.

فرد نمی‌تواند از مسئولیت کلی انتخاب که بر شانه‌های او سنگینی می‌کند، طفره برود؛ در نتیجه انسان چون ارزش‌های خود و قانون اخلاقی ویژه خود را می‌آفریند، مسئول است و نمی‌تواند مجوزی برای انتخاب خودش، از غیر خود بگیرد؛ زیرا نه خدایی هست و نه ارزش‌های متعالی و نه قانون اخلاقی کلی (عبدالهی، 1382: 197).

وقتی برای دفن مقتول، مردم به گورستان رفته‌اند، صورت پاتر بیچاره پژمرده بود و چشم‌هایش پر از ترس. وقتی مقابل مرد مقتول رسید مثل اینکه دچار صرع شده باشد لرزید. صورتش را توی دست‌هایش قایم کرد و زد زیر گریه. گریه‌کنان گفت: رفقا من این کارو نکردم. به شرفم قسم من این کارو نکردم (تواین، 1382: 101).
تام و هاک فین درمی‌یابند که قاتل واقعی، جو سرخ‌پوست، قتل را به ماف پاتر نسبت داده است. دو نوجوان قصه مارک تواین در برزخی که خودشان انتخاب کرده‌اند، گرفتار شده‌اند.

راز وحشتناک و وجدان نآسوده تام خوابش را تا یک هفته بعد از این واقعه برهم زده بود. یک روز صبح، سید سر ناشتایی گفت: تام تو از بس توی خواب وول می‌خوری و حرف می‌زنی، نمی‌داری من بخوابم. رنگ تام پرید و چشم‌هایش را به‌زیر انداخت. خاله‌جان‌پولی با وقار گفت: این بد نشانه‌ایه تام؛ چرا فکرت ناراحته؟ «ناراحت نیست. فکر نمی‌کنم ناراحت باشه». اما دستش لرزید، طوری که قهوه از فنجان لب‌پر زد و ریخت.

سید: چه حرف‌هایی هم می‌زنی. دیشب می‌گفتی خون، خون، این خونه! اینو چند دفعه گفتم. بعد گفتم اینجوری شکنجه‌م ندین. خودم می‌گم! چی رو می‌خواستی بگی؟ چی داری به کسی بگی؟ (همان، 102-103).

سکوتی که به آن سوگند خورده‌اند، چنان دلهره‌ای آفریده است که تنها با شکستن آن می‌توان به آن پایان داد. سرانجام تام در دادگاه به بی‌گناهی ماف پاتر شهادت داد و جو سرخ‌پوست که قاتل بود، از دادگاه گریخت. تام همان‌گونه که سکوت را انتخاب کرده بود، بیان واقعیت و شکستن سکوت را نیز برگزید؛ اما پایان سکوت، پایان ترس و اضطراب نیست؛ زیرا با انتخابی دیگر باید ترسی دیگر را تجربه کرد.

مثل همه‌جا و همیشه مردم دنیای بی‌عقل و دلمدمی، ماف پاتر را نوازش کردند و همان‌جور با حرارت محبتش کردند که تا چند روز پیش فحشش می‌دادند. اما این‌جور رفتار جزو چیزهای خوب دنیاست؛ پس بهتر است عیبی از آن نگیریم [...] روزها برای تام خیلی جلوه و شکوه و کیف داشت، اما شب‌ها را با وحشت می‌گذراند. جو سرخ‌پوسته تمام خواب‌هایش را آلوده کرده بود. هیچ‌جور وسوسه‌ای نمی‌توانست تام را راضی کند بعد از غروب آفتاب از خانه بیرون برود (همان، 197).

در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی نیز می‌توان آزادی فردی و حق انتخاب را مشاهده کرد که از مؤلفه‌های اگزیستانسیالیسم است. در داستان «اسماعیل شجاع» که در مجموعه تنور منتشر شده است، ترس‌های دوران کودکی بیان می‌شود. کودکی به‌نام اسماعیل از مار می‌ترسد. با کمک مادرش این ترس از بین می‌رود و او به پسر بچه‌ای شجاع تغییر هویت می‌دهد و راه تازه‌ای را انتخاب می‌کند؛ انتخابی که آزار و اذیت حشرات و حیوانات را در پی دارد. او یک بار مار سفیدی را می‌کشد و همان لحظه مردم آبادی مار سفید دیگری را می‌بینند که به اسماعیل خیره شده است و چنین تعبیر می‌کنند که این مار جفت همان مار سفید است و روزی از اسماعیل انتقام خواهد گرفت. اسماعیل از آن پس نگران است که مبادا جفت مار سفید به او آسیبی برساند. (مرادی کرمانی، 1990). «بشر محکوم به آزادی است. محکوم است چون خود را نیافریده و درعین حال آزاد است؛ زیرا همین که پا به جهان گذاشت، مسئول همه



کارهایی است که انجام می‌دهد» (سارتر، 1991: 40). اگزیستانسیالیسم عقیده دارد که «سرنوشت انسان در دست خود اوست» و این موجب بیم و نگرانی درونی بشر خواهد بود.

3-4. بشر تعریف‌ناپذیر، هیچ بودن، برتری داشتن و فردیت انسان

در مکتب اگزیستانسیالیسم، «تعریف‌ناپذیری بشر بدان سبب است که بشر نخست هیچ نیست؛ سپس چیزی می‌شود» (همان، 23). مصنوعات بشری وقتی ساخته می‌شوند، تکلیفشان روشن است؛ مثلاً صندلی برای نشستن است؛ اما «بشر پس از وجود یافتن و در جریان زندگی، با کارهایش خود را می‌سازد؛ بنابراین نمی‌توان او را از پیش تعریف کرد» (همان‌جا). بشر همواره درحال پیشی گرفتن از خویش است و هیچ‌گاه از جایگاه و موقعیتی که دارد، رضایت کامل ندارد و می‌کوشد جلوتر رود. مانند یک فنر درحال رها شدن، میل به جهش و فراتر رفتن دارد. در کتاب شما که غریبه نیستید (1389)، مرادی کرمانی با زبانی ساده و صمیمی بیان می‌کند که چگونه انسان می‌تواند از هیچ، به چیزهای دلخواهش برسد. در پاسخ به پیشنهاد استخدام در بانک و ساختن یک زندگی معمولی می‌گوید:

اهل این چیزها نیستم. این‌ها آرزوهای من نیست [...] من به درد بانک نمی‌خورم. نمی‌تونم صد تومن پول بشمارم. ده بار می‌شمارم یا یک تومن زیاد می‌آد یا دو تومن کم. ضرب و تقسیم هم بلد نیستم [...] اگر بمونم، تو بانک بمونم می‌پوسم. وام می‌گیرم قالی می‌خرم، یخچال می‌خرم. وام می‌گیرم زن می‌گیرم، بعد بچه‌دار می‌شم. وام می‌گیرم موتور می‌خرم، ماشین می‌خرم. وام می‌گیرم خونه می‌خرم. [...] روی کاغذی می‌نویسن «بزرگ خانندان از دنیا رفت، فاتحه» این راه من نیست (مرادی کرمانی، 3389: 335).

مرادی کرمانی در این کتاب تأکید می‌کند که «بشر بیش از هرچیز همان است که طرح تحقق و شدنش را افکنده است» (سارتر، 1191: 25) و به نظر می‌رسد در این نوع نگاه نیز اضطراب و ترسی درونی موجب می‌شود تا آدمی طرح و الگویی خاص را در ذهن خود پیرواند. به واقع مرادی کرمانی چون می‌ترسد آنچه را دوست دارد ازدست بدهد، راه پیشنهادی عمومیش را نمی‌پذیرد. در کتاب زندگی من مارک تواین نیز این تفکر و نگرش دیده می‌شود. در این کتاب، نویسنده می‌نویسد که چگونه فرازوفرودهای زندگی را گذرانده است و خواننده

کتاب می‌تواند در ذهن خویش تصاویر تبدیل شدن کودک به نویسنده‌ای بزرگ را به‌خوبی مرور کند؛ بیم و امید در هر مرحله از زندگی مارک تواین قابل درک است. در روزگاری که «تئوری تکامل زیستی داروین و اصل بقای شایسته‌ترین‌ها در جامعه آمریکایی کاربرد فراوان یافت و چنین به‌نظر می‌رسید که الگو و روش‌های غیراخلاقی، تجار و بازرگانان بسیار موفق را مورد تأیید قرار می‌دهد» (ون اسپنکر، 1994: 16)، مارک تواین امید داشت بتواند با تلاش خود به زندگی مطلوب دست یابد؛ کارگری چاپخانه، قایقرانی روی می‌سی‌سی‌پی و خبرنگاری را تجربه می‌کند؛ چون از بیکاری و بی‌پولی هراس دارد و با وجود این امیدوار است نویسنده‌ای توانمند باشد! اگزستانسیالیسم می‌گوید: «بشر طرحی است که با نیروی خود می‌تواند به هر شکلی درآید» (سارتر، 1191: 25).

4- نتیجه‌گیری

1. ژان پل سارتر فیلسوف اگزستانسیالیستی است که ادبیات ملتزم و متعهد را برپایه فلسفه بنا کرد. نظریات ادبی او در نقد و نظریه‌پردازی ادبی در ایران تأثیر بسزایی داشته است. بیم و امید از درون‌مایه‌های اگزستانسیالیستی به‌شمار می‌رود که در رفتار و زندگی قهرمانان قصه‌ها و شخصیت‌های داستانی واقعی و ملموس هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین مشهود است. عمل‌گرایی شخصیت‌های داستانی در آثار این دو نویسنده نشان وجود بیم و امید مبتنی بر تفکر اگزستانسیالیستی است.

2. هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین دیدگاه‌های خود را در مورد بی‌هدفی، پوچی و بیچارگی انسان، در قالب نوجوانانی همچون مجید، نمکو، اسماعیل، تام سایر و هاکلبری فین بیان می‌کنند که در دنیایی سرشار از ناامیدی، باید به زندگی خود معنا دهند. اینان نمونه دغدغه‌های انسان بحران‌زده دوره معاصر و مدرنیته هستند که در پی احیای هویت از دست‌رفته خود گام برمی‌دارند.

3. از ویژگی‌های مکتب اگزستانسیالیسم، بحران ذوب شدن در کلیت‌ها، آزادی فردی و انتخاب، تعریف‌ناپذیری بشر و هیچ بودن و فردیت انسانی است.



در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و مارک تواین، قهرمانان و شخصیت‌ها در گیرودار بحران‌ها هستند، راهی را آزادانه انتخاب می‌کنند، همواره در حال پیشی گرفتن از خویشانند، هیچ‌گاه از جایگاه و موقعیت خود رضایت کامل ندارند، می‌کوشند تا جلوتر بروند و فردیت انسانی آن‌ها در خور توجه است.

پی‌نوشت‌ها

1. هوشنگ مرادی کرمانی متولد 16 شهریور 3323 بعد از گرفتن دیپلم در کرمان، به تهران رفت و دوره هنرستان هنرهای دراماتیک را گذراند و اولین داستانش را به نام «کوچه ما خوشبخت‌ها» با حال و هوایی طنزآلود در مجله خوشه منتشر کرد. در آثار بعدی خود دردها و رنج‌های زندگی را با رگه‌هایی طنزآلود به داستان تبدیل کرد. در سال‌های 3349 و 3350 کتاب *معصومه و من غزال ترسیده‌ای هستم* را به چاپ رساند. البته نخستین جایزه نویسندگی - اش را برای داستان *بچه‌های قالبیافخانه* در سال 3359 از شورای کتاب کودک دریافت کرد و سپس برای همین کتاب جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن را در سال 1985 به خود اختصاص داد. آثار او به زبان‌های هندی، عربی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، هلندی و فرانسوی ترجمه شده است. آثار ترجمه‌شده وی جوایز متعددی را از مؤسسات فرهنگی و هنری خارج از کشور به دست آورده است (فیضی، 3396).
2. مارک تواین که ویلیام فاکنر او را پدر ادبیات امریکا می‌داند، در سال 3835م در ایالت میسوری به دنیا آمد و در سال 1910م از دنیا رفت. او در دوران تحصیل، شاگردی متوسط بود؛ اما به قول خودش هیچ دانش‌آموزی در هجی کردن کلمات به پایش هم نمی‌رسید. مارک تواین اولین داستان را در 1665م به نام «وزغ جهنده معروف ناحیه کالاوراس» در نیویورک منتشر کرد که شهرتی ناگهانی برایش به همراه داشت و موجب شد او راه قطعی داستان‌نویسی را دنبال کند. وی آثار ارزشمندی خلق کرد؛ *ساده‌دلان در سفر کشتی*، *بی‌گناهان فرنگ*، *ماجراهای تام*

سایر، شاهزاده و گدا، زندگی در ساحل رودخانه می‌سی‌سی‌پی و هاگلبری فین از آن جمله‌اند. تواین داستان شاهزاده و گدا را درباره ادوارد ششم پادشاه انگلستان نوشت و آن را به دختران خوش اخلاق و مهربان خود، سوزی و کلارا تقدیم کرد. مارک تواین با داستان‌های پرماجرایی خود مانند تام سایر و هاگلبری فین به نویسنده‌ای جهانی بدل شد و در سراسر جهان خوانندگان فراوانی یافت.

3. comparative children s literature
4. universal republic of childhood
5. Peter Hunt
6. Perry Nodelman
7. Emer O Sullivan
8. *Comparative Children's Literature*



منابع

- احمدی، بابک (3382). هایدگر و پرسش بنیادین. تهران: نشر مرکز.



- _____ (3384). سارتر که می نوشت. تهران: نشر مرکز
- تواین، مارک (3300). ماجراهای هاکلبری فین. ترجمه پورانفر. چ 4. تهران: مهتاب.
- _____ (3300). زندگی من. ترجمه ابوالقاسم حالت. چ 2. تهران: امیرکبیر.
- _____ (3382). تام سایر. ترجمه پرویز داریوش. چ 6. تهران: علمی و فرهنگی.
- توکلی، زهرا (3384). بررسی آثار هوشنگ مرادی کرمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. به راهنمایی عبدالامیر چناری. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین و عیسی امن‌خانی (3366). «اگزستانسیالیسم و نقد ادبی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. س 4. ش 17. صص 9-34.
- دوبووار، سیمون (1161). خاطرات. ترجمه قاسم صنعوی. ج 1. تهران: توس
- ری، جانانان (3384). هایدگر و هستی و زمان. ترجمه اکبر معصوم‌بیگی. تهران: نشر آگه.
- رهجو، مینا و دیگران (۱۳۹۴). «بررسی ارزش‌های اسلامی - ایرانی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» در اولین همایش ملی ادبیات کودک و نوجوان. انار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار.
- سارتر، ژان پل (3354). آنچه من هستم. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: آگه.
- _____ (3377). طرح نظریه هیجان. ترجمه علی آذرننگ (جباری). تهران: آنزان.
- _____ (3391). اگزستانسیالیسم و اصالت بشر. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: نیلوفر.
- _____ (3394). هستی و نیستی. ترجمه عنایت‌الله شکیبا. چ 5. تهران: دنیای کتاب.
- سلاجقه، پروین (3300). صدای خط خوردن مشق. تهران: معین.
- سیدان، مریم (3393). «خوانش روان‌شناختی داستان "اسماعیل شجاع" هوشنگ مرادی کرمانی». دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی. س 22. ش 77. صص 115-332.
- شریعتی، علی (3357). اگزستانسیالیسم، علم و اسکولاستیک جدید. قم: عمار.

- عبدالحی، محمدعلی (3382). «تقدم وجود بر ماهیت از دیدگاه سارتر و هایدگر». مجله نامه حکمت. ش 2. صص 191-233.
- علوی تبار، هدایت (1181). سارتر، دین و اومانیسم. رساله دکتری. به راهنمایی نصرالله پورجوادی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران.
- فیضی، کریم (3396). هوشنگ دوم. چ 4. تهران: معین.
- کوششی، پریش (3385). «درباره آگزیستانسیالیسم سارتر». روزنامه همشهری. تاریخ 19 / 01 / 3385. ش 3954.
- کرگارد، سورن (3300). ترس و لرز. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- ماتیوز، اریک (3388). فلسفه فرانسه در قرن بیستم. ترجمه محسن حکیمی. تهران: ققنوس.
- مرادی کرمانی، هوشنگ (3369). بچه‌های قالیباخانه، چ 3. تهران: کتاب سحاب.
- _____ (3389). شما که غریبه نیستید. چ 7. تهران: معین.
- _____ (3390). تنور و داستان‌های دیگر. چ 33. تهران: معین.
- مظفری‌پور، روح‌الله (3388). «بیم و امید سارتر». مجله اطلاعات حکمت و معرفت. ش 11. صص 63-64.
- موسوی، سیدکاظم و فاطمه همایون (3388). «آگزیستانسیالیسم هدایت و بن‌بست نوستالژی در سگ ولگرد». فصلنامه ادب پژوهی. ش 10. صص 156-137.
- مهرین، مهرداد (3343). مکتب فلسفی آگزیستانسیالیسم. تهران: آسیا.
- ون اسپنکرن، کاترین (1994). درآمدهای ادبیات آمریکا. وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا (پنجمین کتاب از مجموعه آوا).
- Heidegger, M. (1996). *Basic Writings*. by David forrell. Routledge.
- Hodge, J. (1995). *Heidegger and Ethics*. Routledge.
- Macquarrie, J. (1985). *Existentialism*. Penguin Books.
- Rockmore, T. (1995). *Heidegger and French Philosophy*. by Routledge.



- Sartre, J.P. (1967) . *Essays in Existentialism*. Citadel Press.
- _____ (1973) . *Existentialism & humanism*. Evre Methven Ltd. London.
- Vanspanckeren, K. (1994) . *Outline American Literature*. by the United States Department of State.
- Bouckaert-Ghesquière, R. (1992) . "Cinderella and Her Sisters". *Poetics Today* 13. 1. pp. 85-95.
- Gumbrecht, H.U. (1995). "The Future of Literary Studies" in H. Birus (Ed.) *Germanistik und Komparatistik*. Symposium 1993. Stuttgart. Weimar: Metzler. pp. 399-416.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

**A Comparative study of the components and effects of
existentialist fear and hope
In the works of Mark Twain and Houshang Moradi Kermani**

Abstract

In this study, with the aim of understanding the meaning and analysis of the literary text, it has been attempted, by relying on existentialism and in the context of the American school of comparative literature, the effects of fear and hope and some of its related components in the works of Houshang Moradi Kermani and Mark Twain. Existentialism encourages human action, because it says that hope should not be limited to action, and that it is possible for human being to live. Existentialism is a philosophical thought that has influenced literary criticism and has led to the emergence of numerous theories. What is Jean-Paul Sartre writing about literature? He writes of a prestigious commitment to literature, and Heidegger puts into practice a modern philosophical hermeneutics and publishes a traditional look. Thus, based on Cartesian and anti-Cartesian Heidegger's doctrine, Heidegger's two types of Hebrew literary Existentialism Sartorius is formed. This research, through an adaptive approach, has inspected the elements of fear and hope. The findings of this research show that although the researchers have compared the works of Moradi Kermani and Mark Twain more from the perspective of the school of Realism, one can find hope and hope based on pragmatism and existentialist attitudes in these works.



Keywords: Comparative Criticism, Children's Literature, Houshang Moradi Kermani, Mark Twain, Existentialism.

